

نظم سیستمی نوین و استراتژی‌های دفاعی - نظامی ج.ا.ا در خاورمیانه

منظر امرایی *^۱

محمد احمد زاده^۲

رسول میرزاخانی^۳

چکیده:

سیستم بین‌الملل، دارای ویژگی‌های است که این تاثیر مستقیمی بر سیاست خارجی کشورها دارد. در این میان چرخه سیستمی قدرت، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیستم جهانی و منطقه‌ای تاثیرگذار بر موضوع مذکور است و نظم سیستمی منبعث از چرخه قدرت در دایره سیاستگذاری راهبردی واحدها می‌تواند نقش محدودکننده داشته و بر نوع راهبرد و استراتژی آن‌ها اثرگذار باشد. ج.ا.ا نیز در جایگاه یک واحد از نظم بین‌الملل از این قاعده مستثنی نیست. بر این اساس هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نظم منطقه‌ای خاورمیانه و متناسب با آن تعیین استراتژی دفاعی ج.ا.ا ایران در آن منطقه است. در همین راستا پژوهش حاضر این فرض را مطرح می‌نماید که از ارتباط بین نظم جهانی هژمونیک و نظم منطقه‌ای بی‌ساختار، نظم آشوبی منطقه خاورمیانه شکل می‌گیرد که تهدیدات استراتژیکی را برای ج.ا.ا پدید می‌آورد و استراتژی تدافعی بویژه دفاع عامل و دفاع غیرعامل را در صدر استراتژی‌های ج.ا.ا در خاورمیانه قرار می‌دهد. بنابراین مقاله حاضر ضمن تبیین نظم حاکم بر سیستم بین‌الملل و نظم منطقه خاورمیانه، استراتژی‌های سیاست خارجی منطقه‌ای ج.ا.ا را تبیین می‌نماید.

کلید واژه‌ها:

سیستم بین‌الملل، نظم سیستمی، دفاع عامل و غیرعامل، استراتژی دفاعی، ج.ا.ا

^۱ کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای گرایش ایران، دانشگاه شیراز

^۲ کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تبریز

^۳ کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای گرایش ایران دانشگاه شیراز

* نویسنده مسئول (M.Amraei1392@yahoo.com)

مقدمه

سیستم بین‌الملل و منطقه‌ای به دلیل ماهیت واقع‌گرایانه، دارای چرخه قدرت محور می‌باشند، در این چرخه نوعی تمایل به همگون سازی بین قدرت، منافع و نقش مشاهده می‌شود. (Kohout, 2003: 59) واحدهای سیستم بین‌الملل برای تحقق اهداف و منافع ملی خود، از ابزارهای متعددی بهره می‌برند، در چنین سیستمی به دلیل فقدان دولت مرکزی و ماهیت آنارشی، این واحدها خودیار بوده و تحقق منافع آنها بر توانایی‌های فردی مبتنی است. بر این اساس کشورها به دلیل ماهیت آنارشی سیستم بین‌الملل از همان ابتدا با تهدیدات امنیتی مختلفی روبرو هستند که این تهدیدات ناشی از محیط استراتژیک آنها می‌باشد. در این میان مهم‌ترین ویژگی و عنصر تاثیرگذار بر محیط استراتژیک، نظم حاکم بر سیستم جهانی و سیستم منطقه‌ای است. لذا با شناخت دقیق محیط استراتژیک می‌توان مطلوبیت‌های ویژه‌ای را برای سیاست خارجی ج.ا.ایران ایجاد کرد. محیط استراتژیک ایران در طول چندین سال گذشته به شدت دستخوش تحول شده و این تغییر، فرصتها و تهدیدات جدیدی را برای سیاستگذاران به همراه داشته است. حضور مستقیم آمریکا در منطقه خاورمیانه ابعاد این تغییر در محیط استراتژیک را به مراتب حساس می‌نماید. بررسی این تغییر مقدمه هرگونه تلاش در جهت تدوین استراتژی و سیاست دفاعی برای ج.ا.ایران می‌باشد. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش این خواهد بود که نوع نظم حاکم بر سیستم بین‌الملل و نظم حاکم بر منطقه خاورمیانه و در نتیجه نوع محیط استراتژیک حاصل از ترکیب این دو نوع نظم و نوع استراتژی سیاست خارجی منطقه‌ای ج.ا.ا در منطقه خاورمیانه چگونه است؟ و در ادامه این فرض را مطرح می‌کند که نظم سیستمی هژمونیک جهانی و بی‌ساختار منطقه، محیط آشوب خاورمیانه را پدید می‌آورد و لذا این محیط آشوب تهدیدات استراتژیکی برای ج.ا.ا ایجاد نمود که لازمه مقابله با آنها در پیش گرفتن استراتژی‌های تدافعی بویژه دفاع عامل و دفاع غیرعامل می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در پاسخ به پرسش‌های یاد شده، چند گروه از ادبیات را در حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای می‌توان شاهد بود. درگروه اول، ادبیاتی که بنیان‌های مفهومی و تئوریک چرخه قدرت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد که در حال حاضر در زمینه روابط بین‌الملل اثرات مشخصی که در رابطه با شناخت چرخه استراتژی یافت می‌شود می‌توان به

تألیفات قاسمی اشاره نمود. (قاسمی، ۱۳۸۴ و قاسمی، ۱۳۸۶) و همچنین پرداختن به نظریه-پردازانی مانند والراشتاین «سیستم جهانی به عنوان چارچوب نظریه‌های چرخه قدرت (شفیعی، ۱۳۹۰)، مدلسکی «تئوری چرخه بلند قدرت» (Kohout, 2003) و چارلز دوران «رابطه بین چرخه قدرت و نظم» (Doran, 2000).

گروه دوم، حوزه نظری مربوط به ادبیاتی که سعی در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ا دارند از جمله:

دهقانی فیروزآبادی در کتاب "سیاست خارجی ج.ا.ایران" به تعریف و ابعاد اهداف و منافع ملی ایران می‌پردازد و همچنین در چارچوب تحلیل گفتمانی به بررسی سیاست خارجی دولت‌های مختلف حاکم بر ایران نظر دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹) روح‌الله رضانی در کتاب "چارچوب تحلیلی برای سیاست خارجی ج.ا.ایران" الگوی تعامل سه جانبه پویا یعنی ترکیب سیاست داخلی، خارجی و بین‌الملل را برای سیاست خارجی کشورها مطرح می‌کند و به بررسی سیاست خارجی ایران می‌پردازد. (رضانی، ۱۳۸۳) شیرین هانتر در کتاب "سیاست خارجی ایران بعد از فروپاشی شوروی" به توصیف ویژگی‌های نظام بین‌الملل و چالش‌ها و فرصت‌های آن برای ایران، توصیف و ارزیابی روابط ایران با جهان خارج می‌پردازد. (Hunter, 2010)

گروه سوم ادبیات مربوط به استراتژی است از جمله:

کتاب "استراتژی و برنامه‌ریزی استراتژیک" سعیده لطفیان (لطفیان، ۱۳۸۱)، کتاب "استراتژی بزرگ" کالینز (کالینز، ۱۳۷۰)، کتاب "نظریه‌ها و خط مشی‌ها" جان بیلینس-بیلینس، (۱۳۶۹) و مقاله "ساخت ژئوپولیتیکی سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی، امنیتی آمریکا" از قاسمی (قاسمی، ۱۳۸۴) این منابع به بررسی برخی سطوح و گونه‌بندی‌های استراتژی پرداخته‌اند.

در این راستا می‌توان گفت در ادبیات موجود چندین ضعف وجود دارد شامل:

توصیفی بودن اکثر این منابع بخصوص ادبیات موجود در حوزه سیاست خارجی ج.ا.ا.
عدم توجه به استراتژی‌های خارجی در سطح منطقه‌ای.

عدم توجه به ارتباط متقابل بین نظم سیستم منطقه‌ای و نوع استراتژی منطقه‌ای.

بنابراین با توجه به این ناکارآمدی‌هایی که در ادبیات موجود وجود دارد، پرداختن به نظم

سیستم منطقه‌ای و در پی آن نوع استراتژی منطقه‌ای ج.ا.ا ضرورت می‌یابد. بر مبنای فرضیه پژوهش و ناکارآمدی‌های موجود در ادبیات روابط بین‌الملل، پژوهش حاضر دو هدف نظری و کاربردی را دنبال می‌نماید. در حوزه نظری، بررسی چرخه قدرت سیستم جهانی و منطقه‌ای و ترسیم نظم حاکم بر منطقه خاورمیانه و در حوزه کاربردی، هدف پژوهش ارائه استراتژی‌های دفاعی مناسب برای تامین منافع ملی ج.ا.ا در منطقه خاورمیانه می‌باشد.

بنابراین با توجه به سوال اصلی، فرضیه و اهداف پژوهش، ابتدا به اصول و مبانی نظریه‌های چرخه‌ای و نظم سیستمی، در قسمت دوم پیوند بین نظریه‌های چرخه‌ای و استراتژی، در قسمت سوم نظم سیستمی حاکم بر سیستم جهانی و نظم حاکم بر سیستم منطقه‌ای خاورمیانه و در نهایت استراتژی‌های منطقه‌ای ج.ا.ا ایران در منطقه خاورمیانه پرداخته می‌شود.

نظریه‌های چرخه‌ای^۱ و نظم سیستمی^۲

تئوری چرخه‌ی قدرت دولت محور می‌باشد و بیشتر بر مسائل نظامی تکیه دارد تا اینکه توانایی‌های اقتصادی دولت‌ها را مد نظر داشته باشد. (Kissane,2008: 2-4) در این چرخه، تغییر و تحول در قدرت ملی از الگوی منظمی متشکل از رشد، بلوغ و زوال پیروی می‌کند.

از نظر چارلز دوران، میان قدرت و نقش یک تناسب وجود دارد. مثلاً اگر قدرت نسبی یک دولت افزایش یا کاهش یابد، باید متناسب با آن نقش هم تنظیم شود. پس اگر همزمان با افزایش قدرت، نقش و منافع متناسب با آن دریافت نشود، عدم رضایت در سیستم به وجود می‌آید و در این نقطه کشورهای که با کسری نقش و منافع روبرو هستند علیه کشورهایی با مازاد نقش و منافع، دست به اقدام نظامی زده و بر تعارضات سیستمی دامن می‌زنند) (Kohout,2003:59)

با توجه به این موضوع، مهم‌ترین اصولی که نظریه‌های چرخه‌ای بر آن استوار هستند را می‌توان به صورت زیر تبیین نمود: (ترکیبی از اصول واقعگرایی، نوواقعگرایی، سیستمی و نوآوری‌های نظریه چرخه)

¹ Cycle theory

² Order system

۱. آنا‌رشی بنای مناسب برای تجزیه و تحلیل توزیع قدرت و نظم جهانی محسوب می‌شود. (قاسمی، ۱۳۸۷: ۹۹ - ۷۳) نظریه‌های چرخه‌ای با این مفروض آغاز می‌شود که سیستم بین‌الملل فاقد اقتدار عالی‌ه می‌باشد و بنابراین سیستم با معمای امنیت روبرو خواهد شد که نتیجه چنین وضعیتی خودیاری و قدرت محوری سیستم و واحدهای تشکیل دهنده آن می‌باشد.
 ۲. تمایل سیستم به تمرکز قدرت و قطبی شدن آن امری واقعی است؛ باید به این اصل سیستمی توجه نمود که تمامی سیستم‌های آزاد از جمله سیستم‌های آنا‌رشیک، تمایل به قطبی شدن دارند؛ سمت‌گیری چرخه قدرت، مبتنی بر انباشت آن در کشورهایی است که در رأس چرخه قرار دارند.
 ۳. سمت‌گیری تمامی قدرت‌های بزرگ نسبت به سیاست جهانی نسبت به هم یکسان می‌باشد؛ با توجه به آنا‌رشی بودن سیستم و اصل قدرت محور بودن چرخه، سمت‌گیری رفتاری تمامی قدرت‌های حاکم بر چرخه مذکور، یکسان می‌باشد و تمامی آنها براساس تلاش برای کسب، حفظ و افزایش قدرت تلاش می‌نمایند.
 ۴. قدرت پدیده‌ای ایستا محسوب نمی‌شود بلکه امری متحول و پویا است. قدرت دارای فرآیند حیات مختص به خود می‌باشد، این فرآیند از مرحله رشد بالقوه شروع و تا زوال و نابودی ادامه می‌یابد.
 ۵. در سیاست بین‌الملل بین قدرت و نقش پیوند مستحکمی برقرار است؛ کشورها براساس جایگاه خود در چرخه قدرت نقش طلب می‌نمایند، به عبارتی نقش کشورها در سیستم بین‌الملل براساس جایگاه آنها در چرخه مشخص می‌شود.
 ۶. در سیاست بین‌الملل قدرت، رضایت و نقش به یکدیگر پیوند خورده و ثبات سیستم جهانی بدون توجه به هماهنگی بین این سه وجه امکان‌پذیر نمی‌باشد.
 ۷. قدرت در درون سیستم ویژگی چرخه‌ای دارد که با توجه به مراحل رشد قدرت می‌توان پویایی آن را نیز مشاهده نمود. (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۳ - ۱۲)
- چرخه‌ی قدرت برای کشورهای مختلف، متفاوت است اما آنچه مهم می‌باشد، چرخه قدرت متعلق به کشورهای قدرتمند در سیستم است. این سیکل یا چرخه به صورت متناوب، تکرار

می‌شود و دارای یک نقطه شروع و پایان است. با توجه به اینکه تامین امنیت، ثبات و بی-ثباتی در کدام یک از قسمت چرخه اتفاق می‌افتد، پنج نظم موجود می‌باشد

۱. نظم هژمونیک (با تمرکز شدید قدرت، همنوایی سایر قدرت‌ها با هژمون و بسته بودن)

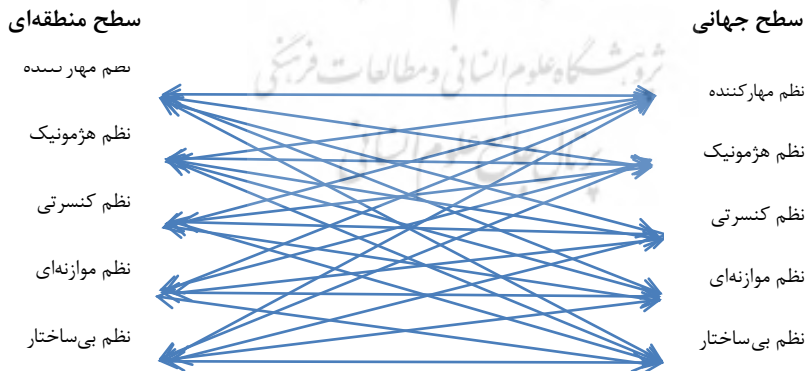
۲. نظم مهارکننده (تضعیف هژمون، پیدایش چالشگران جدید هژمون و شکل‌گیری رقابت راهبردی با هژمون)

۳. نظم کنسرتی (اجماع قدرت‌های بزرگ)

۴. نظم موازنه‌ای و معکوس (چند قطبی بودن قدرت)

۵. نظم بی‌ساختار (تضاد و تخصم قدرت‌های بزرگ با یکدیگر). (همان، ۱۶ - ۱۵)

هر کدام از این نظم‌ها الگوی رفتاری متفاوتی را شکل می‌دهند. یکی از واقعیت‌های موجود این است که چرخه قدرت در سطح جهانی و منطقه‌ای در پیوند با یکدیگر خواهند بود. اصولاً تمامی سیستم‌ها از خرده سیستم‌های مختلفی شکل گرفته‌اند در حوزه بین‌الملل نیز سیستم جهانی خود دارای خرده سیستم‌های منطقه‌ای است و به همین سبب هر دو به صورت همزمان دارای الگوهای خاصی از نظم می‌باشند که این الگوها دارای پیوند کارکردی بین خود خواهند بود و لذا تلاقی چنین نظم‌هایی در چرخه قدرت به عنوان زیر بنای نظم منطقه‌ای محسوب می‌گردد. تلاقی مذکور را به صورت شکل ۱ می‌توان نشان داد:



شکل ۱: تلاقی نظم منطقه‌ای و جهانی (منبع: قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۱۷)

در این راستا از تعامل بین نظم منطقه‌ای و نظم جهانی الگوی نظم حاکم بر منطقه در قالب شکل ۲ نمایان می‌گردد:

جدول (۱) تعامل نظم جهانی و منطقه‌ای و نظم سیستم منطقه‌ای

نظم جهانی					
بی‌ساختار	موازنه قوا	کنسرتی	مهارکننده	هژمونیک	بی‌ساختار
وضعیت نادر	تأثیر بی‌ثباتی جهانی بر منطقه‌ای کمتر است.	کاهش مداخلات نظم جهانی و افزایش میزان استقلال عمل منطقه	همکاری به نفع قدرت منطقه‌ای	ثبات استراتژیک جهانی و منطقه‌ای: ثبات کلی	هژمونیک
کاهش قدرت منطقه‌ای در نتیجه عامل کاهش میزان یکپارچه‌سازی در منطقه	میزان تأثیر پذیری آشوب جهانی بر منطقه نسبت به فاز قبل بیشتر و نسبت به فازهای بعدی کمتر	درهم تنیدگی بیشتر نظم منطقه‌ای در نظم جهانی	شرایط چرخه جهانی و منطقه‌ای یکسان است. تأثیر پذیری نظم منطقه‌ای از جهانی افزایش می‌یابد.	ثبات استراتژیک جهانی و کاهش ثبات منطقه، همکاری با هژمون جهانی بعنوان مداخله‌گر در منطقه	مهارکننده
آشوب و عدم ثبات در منطقه	آشوب و عدم ثبات در منطقه	بی‌ثباتی جهانی + بی-ثباتی منطقه‌ای = افزایش شدت بی‌ثباتی در منطقه	ثبات نظم جهانی از نظم منطقه‌ای بیشتر است: پدیده‌های منطقه تحت تأثیر اراده هژمون جهانی	ضعیف شدن قدرت منطقه‌ای و در نتیجه مجبور به همکاری با قدرت‌های دیگر منطقه است.	کسرتی
آشوب و عدم ثبات در منطقه	آشوب و عدم ثبات در منطقه	تأثیر بی‌ثباتی سیستم جهانی بر منطقه‌ای بیش از مراحل قبل	تحمیل الگوهای رفتاری نظم جهانی بر نظم منطقه‌ای	پراکندگی توزیع قدرت و الگوی رفتاری در منطقه: بی‌ثباتی	موازنه قوا
آشوب و عدم ثبات در منطقه	آشوب و عدم ثبات در منطقه	آشفته‌گی و عدم تقارن بیشتر جنگ و در نتیجه وضعیت منطقه کاملاً بی‌ثبات	منطقه کاملاً تحت اراده و خواست قدرت بزرگ می‌باشد.	منطقه در شرایط آشوب: مداخله هژمون جهانی به نهایت می‌رسد.	بی‌ساختار

پیوند بین نظریه‌های چرخه‌ای و نظم سیستمی و نوع استراتژی^۱،

اصولاً در حوزه مطالعات استراتژیک، تعاریف متعددی از استراتژی به عمل آمده است، آندره بوئر از جمله استراتژیست‌هایی است که به بررسی و تجزیه و تحلیل مفهوم استراتژی اقدام می‌نماید. از دیدگاه وی، استراتژی هنری است که در آن می‌توان مسائلی که از برخورد دو اراده متضاد بروز می‌کند، شناسایی نموده و در نتیجه شناخت کامل این مسائل، تکنیک و روشی اتخاذ کرد که حداکثر بهره‌مندی حاصل گردد. همچنین قاعده کلی استراتژی، آن

^۱. Strategy

است که باید روشی را یافت که از آن طریق، بتوان بر دشمن تفوق و استیلاء پیدا نمود و به هدف نهایی رسید. به طور کلی با توجه به الگوهای استراتژی مورد نظر بوفر، ابزارهای مختلفی را می‌توان در استراتژی تشخیص داد که عبارتند از:

- ابزارهای تهدید: مانند خواست‌های تحکم‌آمیز
- ابزارهای مربوط به فشارهای غیرمستقیم
- ابزارهای دفاعی
- ابزارهای فرسایشی
- ابزارهای نظامی و تسلیحات (تهاجمی): بهره‌گیری از زور. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۰۸).

در این راستا بهره‌گیری از ابزارها و نوع آنها، از دیدگاه بوفر از چنان اهمیتی برخوردارند که به نظر وی، خود می‌تواند گونه‌های مختلفی از استراتژی را سبب شود که بر این اساس مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- استراتژی تهدید مستقیم
 - استراتژی فشارهای غیرمستقیم
 - استراتژی پیشروی یا عملیات‌های غیرمستقیم
 - استراتژی انهدامی سنتی یا استراتژی‌های فرسایشی (جنگ و مناقشه طولانی و استراتژی دراز مدت)
 - استراتژی زور یا استراتژی چریکی و پارتیزانی (بوفر، ۱۳۶۶: ۵۱).
- بنابراین استراتژی در عرصه سیاست بین‌الملل به گونه‌های مختلفی تجلی می‌نماید که مهم‌ترین آن عبارتند از:
- استراتژی متعارف و استراتژی هسته‌ای
 - استراتژی مستقیم و غیرمستقیم
 - استراتژی دفاعی و تهاجمی
 - استراتژی گام به گام و متراکم
 - استراتژی ضد نیرو و ضد شهر. (بیلیس، ۱۳۶۹: ۱۳۲ - ۱۰۲)

استراتژی متعارف و هسته‌ای

نخستین گونه‌بندی استراتژی در سیاست بین‌الملل معاصر، براساس نوع تجهیزات و ابزارهای مورد استفاده در آن صورت می‌گیرد. به عبارتی مهمترین وجه تمایز این دو گونه استراتژی، نوع سلاح نظامی مورد استفاده می‌باشد. استراتژی متعارف بر بکارگیری سلاح-های متعارف نظامی متکی است و نوعی از عدم قطعیت در پیروزی نظامی در آن وجود خواهد داشت، چرا که واحد مذکور از توان نابودکنندگی مطلق برخوردار نمی‌باشد. در دیگر سوی، پیدایش سلاح‌های دارای قدرت نابودکنندگی جمعی و مطلق از جمله سلاح‌های هسته‌ای، تحول اساسی در استراتژی و پیدایش شکل نوین آن یعنی استراتژی هسته‌ای را سبب شد.

استراتژی مستقیم و استراتژی غیرمستقیم

در استراتژی غیرمستقیم هدف دستیابی به استیلاء و تفوق بر دشمن می‌باشد اما این تفوق از طریق کاربرد مستقیم نیرو و تسلیحات نظامی حاصل نمی‌شود. در اینجا نیز مانند سایر استراتژی‌ها هدف دستیابی به آزادی عمل گسترده است تا بر آن اساس بتوان دشمن را منکوب نمود و این هدف از دو طریق حاصل می‌گردد:

- مانور خارجی؛

- مانور داخلی.

در مانور خارجی، هدف دستیابی به آزادی عمل بیشتر و محدود کردن آزادی عمل دشمن است. در اینجا کانون توجه، بر تغییر و تحول در عواملی است که خارج از محدوده جغرافیایی هدف قرار داشته و بیشتر بر عملیات روانی تاکید دارد و از ابزارهای بین‌المللی، و همچنین حساسیت‌های دشمن بهره گرفته خواهد شد تا بتوان از طریق اعمال و رفتار احتمالی آن را در روابط بین‌الملل به زیر سوال برد. در مانور داخلی، هدف طراحی نقشه برای منطقه جغرافیایی خاصی است که در آن بایستی به هدف نهایی دست یافت. این نقشه براساس عامل نیروهای مادی، عوامل روانی و زمان ترسیم می‌گردد.

استراتژی تهاجمی و دفاعی (یا بازدارنده و مبتنی بر بازدارندگی)

کشورها در زمینه استراتژی و نوع رفتارهای لازم برای دستیابی به اهداف خود، الگوهای رفتاری متفاوتی را اتخاذ می‌نمایند. برخی سعی در تغییر مستقیم محیط دشمن دارند اما برخی دیگر صرفاً نگاه به درون واحد خود داشته و بیشتر خواهان خنثی نمودن تهدیدات استراتژیک تهاجمی و دفاعی بهره می‌برند (لطیفان، ۱۳۸۱: ۱۲۵ - ۹۷). استراتژی تهاجمی به معنای بهره‌گیری از عنصر جنگ و سیاست‌های تهاجمی برای دستیابی به هدف است و استراتژی دفاعی، تدابیر و اندیشه‌هایی که جهت حفاظت از یک کشور در برابر تهدیدات خارجی اتخاذ می‌شود و انواع استراتژی‌های دفاعی شامل:

- دفاع استراتژیک: حفاظت از یک کشور در برابر تهدیدات ناشی از سلاح‌های استراتژیک؛
 - دفاع عامل: بهره‌گیری از نیروهای مسلح در برابر حملات دشمن؛
 - دفاع غیرعامل: استفاده از ابزار غیرنظامی برای مقابله با تهدیدات خارجی
۱. دفاع معطوف به داخل: افزایش ضریب انسجام داخلی در مقابل دشمن
 ۲. دفاع معطوف به خارج: ایجاد آسیب‌پذیری در دشمن، ایجاد انشقاق در دشمن
عملیات روانی علیه دشمن، تغییر در محیط خارجی دشمن
 ۳. دفاع معطوف به نمایش قدرت: نمایش آمادگی دفاعی و تهاجمی به دشمن
- دفاع شهری: دفاع از نقاط غیر نظامی
 - دفاع منطقه‌ای: دفاع از منطقه‌ای که هدف در آن قرار دارد
 - دفاع نقطه‌ای: دفاع از نقطه هدف

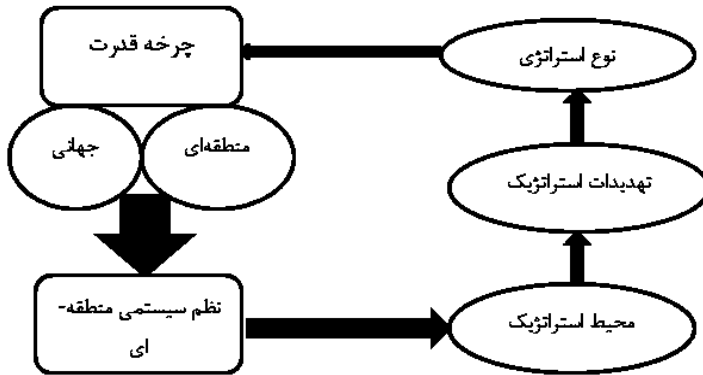
استراتژی گام به گام و متراکم

استراتژی می‌تواند از حالت انباشتی، تراکمی و گام به گام یا تدریجی برخوردار باشد. به عبارتی در استراتژی‌های گام به گام هدف نهایی، به مجموعه‌ای از اهداف تقسیم شده و نوعی سلسله مراتب بین آنها برقرار می‌گردد. از سوی دیگر برخی استراتژی‌ها حالت انباشتی، تراکمی دارند. به عبارتی واحدهای مربوطه بر این باورند که توان تغییر محیط و دگرگون‌سازی ابعاد مختلف آن را در جهت تحقق هدف استراتژیک خود، به صورت یکجا و همزمان خواهند داشت. (Wylie, 1967: 23 – 29)

استراتژی ضد نیرو و استراتژی ضد شهر

اساس این گونه‌بندی، بر پایه وجود و کارکرد تسلیحات هسته‌ای است. در اینجا هدف ایجاد بازدارندگی است. برخی از استراتژیست‌ها، هدف‌گیری و بمباران مردمان غیرنظامی و مراکز تولیدی دشمن را در دستور کار خود قرار می‌دهند و معتقدند در صورتی که از این منظر بتوان تهدید غیرقابل قبولی را بر دشمن تحمیل کرد، توازن وحشت را می‌توان ایجاد نموده و با پدیدار ساختن موازنه وحشت با ثبات، عملاً جنگ هسته‌ای اتفاق نمی‌افتد. از سوی دیگر برخی استراتژیست‌ها به این استراتژی با دیده شک می‌نگرند و معتقدند که تنها با خلع سلاح دشمن می‌توان به هدف رسید. به عبارتی استراتژی‌ها بایستی بر ضد نیروهای نظامی دشمن طراحی شوند و به خنثی‌سازی آنها بیانجامد. تنها در این صورت است که می‌توان به ثبات بازدارندگی اندیشید. (کالینز، ۱۳۷۰: ۵۰) در این راستا کشورها به عنوان واحدهای تشکیل دهنده سیستم بین‌الملل دارای چرخه قدرت می‌باشند. که براساس اینکه در کدام فاز از مراحل رشد، بلوغ و زوال قدرت قرار دارند ابزارهای مختلف در استراتژی مورد نظر قرار می‌گیرد. نظم سیستم نیز که نقش محدودکننده در طراحی استراتژی دارد منبعث از این چرخه قدرت می‌باشد. نظم سیستمی نیز محیط استراتژیک واحد مورد نظر را شکل می‌دهد که این محیط با ویژگی‌های خاص خود تهدیدات راهبردی متعددی را سبب می‌شود. و در صورت وجود تهدیدات استراتژیک است که به کارگیری گونه‌های مختلف استراتژی معنا و مفهوم می‌یابد. و این تهدیدات با توجه به توان دشمن در انجام اقداماتی خاص، قصد و نیت دشمن و آسیب‌پذیرهای (نقاط ضعف برجسته دشمن) شکل می‌گیرد (کالینز، ۱۳۷۰: ۳۶). بر این اساس ارتباط بین قدرت، نظم و نوع استراتژی در شکل ۳ نمایان می‌گردد:

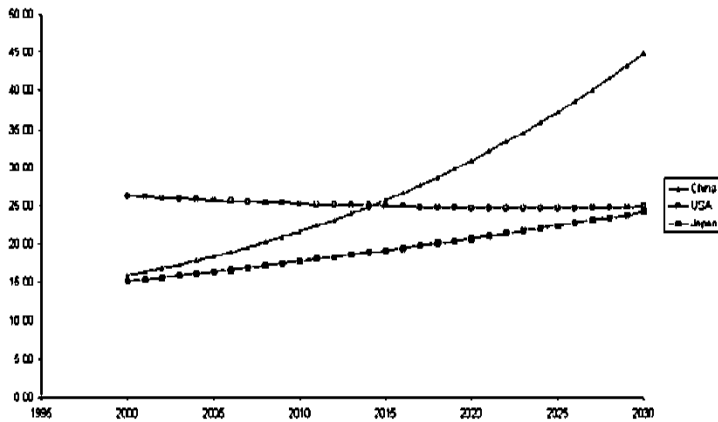
شکل ۳: تعامل بین چرخه قدرت، نظم و نوع استراتژی



چرخه قدرت^۱ و الگوی نظم در سیستم جهانی

به طور کلی، در سیستم جهانی براساس توزیع قدرت و سنجش قدرت نسبی، در دوره‌های مختلف، قدرت‌های بزرگ متفاوتی، نقش اساسی را در نظام بین‌الملل ایفا می‌کردند. با توجه به ساختار سیستم بین‌الملل، هر چند در یک دوره‌ی زمانی توزیع قدرت در میان کشورهای اروپایی بود و با جنگ‌های جهانی این نوع ساختار و توزیع قدرت از میان رفت، اما باید گفت کشورهایی چون بریتانیای کبیر، فرانسه و آلمان هنوز به عنوان قدرت‌های مؤثر در سیستم بین‌الملل مطرح هستند. بعد از آن، سیستم دوقطبی با محوریت آمریکا و شوروی شکل گرفت که حتی بعد از فروپاشی شوروی و به پایان رسیدن این نوع ساختار، هنوز شوروی به عنوان یکی از قدرت‌های مؤثر در سیستم محسوب می‌شد. اما آمریکا، به صورت یکه‌تازانه به مدیریت سیستم پرداخته است. در طی این دوران هر چند قدرت‌های قدیم چون بریتانیای کبیر، فرانسه و آلمان، وجود داشتند، قدرت‌های جدید دیگری چون روسیه، اتحادیه اروپا و ژاپن وارد چرخه‌ی قدرت جهانی شدند که البته میزان تأثیرگذاری آن‌ها به خصوص بعد از حرکت روبه زوال آمریکا متفاوت بود. در سیستم نوین سه قدرت آمریکا، ژاپن و چین به عنوان مهم‌ترین کشورهای سیستم مطرح می‌شوند که هم در چرخه قدرت اقتصادی و هم چرخه قدرت نظامی در حال رشد هستند که در شکل ۴ نشان داده شده است.

¹ Power cycle



شکل ۴ چرخه قدرت چین، آمریکا و ژاپن از سال ۲۰۰۰ - ۲۰۳۰ (Dylan Kissane 2008, p:33.)

براساس نمودار بالا می‌شود به این نتیجه رسید که آمریکا در این شرایط از نظم هژمونیک فاصله گرفته است و وارد فاز بعد از آن یعنی نظم مهارکننده شده است. در این فاز هر چند قدرت نسبی آمریکا، نسبت به بقیه بیشتر است اما میزان قدرت او نسبت به فاز قبلی کمتر شده است. به همین علت است که نمی‌تواند به صورت نظم هژمونیک و با تحمیل مستقیم دست به اقدام علیه واحدها بزند. بنابراین سیاست‌ها و سیستم کنترلی مورد استفاده او خصلتی تدافعی پیدا می‌کند و از طریق سیستم بازدارندگی یکجانبه چالشگران احتمالی را نابود می‌نماید. (Dylan Kissane 2008, p:33.)

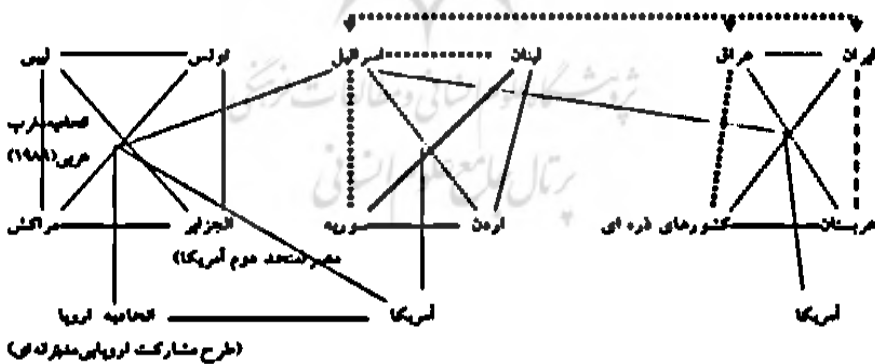
چرخه قدرت و الگوی نظم منطقه خاورمیانه

منطقه خاورمیانه از نظر چرخه قدرت، دارای ویژگی‌های خاصی است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های آن دخالت قدرت یا قدرتهای غیربومی در آن است. در چرخه جهانی قدرت، هر چند رقابت زیادی میان کشورهای برتر جهانی وجود دارد اما هنوز، آمریکا به عنوان مهم‌ترین قدرت جهانی، با وجود کاهش قدرت نسبی‌اش و قرار گرفتن در فاز نظم مهارکننده، می‌باشد. به همین علت، در مناطق حیاتی، به خصوص منطقه خاورمیانه حضور نسبتاً فعال دارد و به شدت به کنترل منطقه، در مقابل چالشگران درونی و قدرت‌های رقیب بیرونی می‌پردازد. با توجه به میزان تداخل نظامی در خاورمیانه، بی‌ثباتی نسبی در سیستم جهانی، سیستم منطقه‌ای خاورمیانه را تحت تأثیر این بی‌ثباتی قرار می‌دهد.

بنابراین با توجه به وضعیت ثبات ساختی در خاورمیانه، نظم منطقه، در حالت نظم نامتوازن رو به نظم بی‌ساختار است، که این بی‌ثباتی، ناشی از محیط بی‌ثبات استراتژیک منطقه‌ای است که آن را به شدت تحت تأثیر نظام جهانی قرار می‌دهد.

نظم سیستمی منطقه‌ای خاورمیانه و استراتژی‌های دفاعی - نظامی ج.ا.ایران در آن در نتیجه تداخل نظم جهانی و منطقه‌ای، محیط استراتژیک ج.ا.ایران در خاورمیانه را در شرایط بی‌ثبات و آشوب منطقه‌ای قرار می‌دهد. در محیط آشوب و از هم‌گسیخته خاورمیانه، روابط کشورهای درون منطقه‌ای در حالت همکاری وجود ندارد و شامل الگوهای روابطی متخاصم (ایران - رژیم صهیونیستی، لبنان - رژیم صهیونیستی و سوریه - رژیم صهیونیستی)، الگوی روابط سرد میان اعراب و رژیم صهیونیستی، الگوی رقابتی میان ایران، عربستان، کشورهای جنوبی خلیج فارس و مصر و اردن، الگوی روابط میان ایران، سوریه، لبنان و فلسطین، الگوی همکاری اعراب در قالب اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه مغرب عربی، الگوی همکاری ایران و عراق و در نهایت الگوی اتحاد آمریکا و رژیم صهیونیستی و همکاری استراتژیک میان آمریکا و اعراب، که می‌توان به شکل ۵ آن را نشان داد. (قاسمی، ۱۳۹۰: ۴۱)

شکل ۵: الگوی روابط در خاورمیانه (قاسمی، ۱۳۹۰، ۴۲)



در این راستا با شناخت محیط استراتژیک ج.ا.ایران می‌توان تهدیدات پیش روی این کشور را بررسی نمود. در واقع حاکم بودن نظم آشوبی بر محیط استراتژیک ایران در خود تهدیدات مختلفی را علیه این کشور نمایان ساخته است که می‌توان آنها را به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

۱. تهدیدات استراتژیک سیستمی که خود از ابعاد زیر تشکیل شده است:
 - تهدیدات ساختاری ناشی از گرایش هژمونیک سیستم به رهبری آمریکا به عنوان مهم‌ترین دشمن استراتژیک که نمونه آن را می‌توان در مسئله هسته‌ای مشاهده کرد
 - تهدیدات فرآیندی سیستم، از جمله فرآیند جهانی شدن اقتصادی و فرآیندهای فرهنگی از جمله موضوع برخورد تمدنی مورد نظر غرب در قالب نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون.
۲. تهدیدات استراتژیک منطقه‌ای از جمله:
 - تهدیدات ناشی از قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای بویژه در خاورمیانه و خلیج فارس
 - تهدیدات ناشی از نقش‌یابی منطقه‌ای از سوی قدرت‌های بزرگ و مؤثر منطقه
 - تهدیدات ناشی از برخی قدرت‌های منطقه‌ای خاورمیانه از جمله رژیم صهیونیستی حاکم بر فلسطین اشغالی.
۳. تهدیدات استراتژیک ملی از جمله تهدیدات ناشی از ساخت جمعیتی، قومی و مذهبی و وجود ساخت‌های مشابه در محیط پیرامونی منطقه‌ای که در برخی مواقع می‌تواند از طریق سایر قدرت‌ها مورد دستکاری قرار گیرد.
بنابراین با حاکم شدن نظم آشوبی بر منطقه خاورمیانه و تهدیدات ناشی از آن، ج.ا.ایران برای جلوگیری از بروز جنگ و تحمیل هزینه‌های ناشی از آن، باید استراتژی دفاعی را به عنوان استراتژی برتر به سبب تقویت ابعاد بازدارنده برای جلوگیری از تهاجم دشمن به عنوان مهمترین و کارآمدترین استراتژی در محیط استراتژیک خود بکار گیرد. لذا از مهمترین اشکال دفاع برای ج.ا.ایران شامل:
 - حمله به دشمن
 - محافظت از مرزها
 - حمله پیشگیرانه به دشمن
 - دفاع در عمق
 - جنگ‌های کوهستانی
 - دفاع از رودخانه‌ها و آبراهها

- دفاع از باتلاق
 - دفاع از جنگل‌ها
 - دفاع از صحنه عملیات
- نهایتاً در سطح عملیاتی و در جهت دستیابی به استیلا و برتری استراتژیک، ج.ا.ایران باید در قالب استراتژی دفاعی طرح‌های زیر را عملیاتی نماید:

۱. طرح‌های تهاجمی در قالب استراتژی دفاعی :

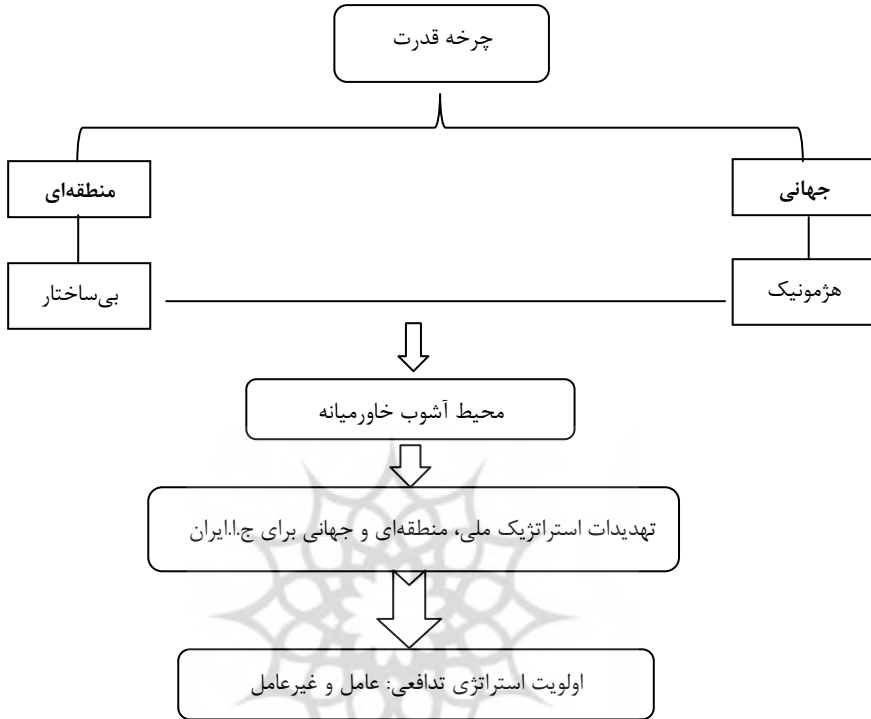
- حمله
- غافلگیری
- حمله خدعه‌آمیز یا شبه حمله
- اغفال و فریب



- رخنه
 - فرسایش دشمن
 - تعقیب
۲. طرح‌های تدافعی :

- آمادگی دفاعی
- دفع حمله
- ضربه متقابل
- عقب‌نشینی
- متارکه موقت و ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۶: استراتژی و طرح‌های عملیاتی ج.ا.ایران در منطقه خاورمیانه

نتیجه‌گیری

این پژوهش درصدد برآمده تا به بررسی نظم سیستمی منطقه‌ای خاورمیانه و تاثیر آن بر نوع استراتژی ج.ا.ایران در خاورمیانه بپردازد. با توجه به نظم سیستمی حاکم بر سیستم جهانی و نظم سیستمی خاورمیانه، محیط استراتژیک حاکم بر سیستم منطقه‌ای خاورمیانه ظاهر می‌گردد و با بهره‌گیری از این محیط، محدودیت‌ها و تهدیداتی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند، نوع استراتژی آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین با توجه به اینکه محیط استراتژیک خاورمیانه محور پژوهش قرار گرفته است، در ابتدا به بررسی چرخه قدرت، نظم سیستمی و محیط استراتژیک منبعت از آنها پرداخته می‌شود. در این راستا واحدها در سطح سیستم منطقه‌ای و سیستم جهانی دارای چرخه قدرت متشکل از سه فاز رشد، بلوغ و زوال هستند که به تناسب چرخه قدرت در سیستم جهانی و منطقه-

ای، نظم حاکم بر سیستم منطقه‌ای تعیین می‌گردد. در این میان منطقه خاورمیانه که همیشه در قلب سیاست جهانی قرار داشته و هر گونه تغییر و تحول در این منطقه بازتاب‌های بسیار زیادی بر مناسبات میان قدرت‌های بزرگ داشته است، دارای نظم بی‌ساختار که با ترکیب نظم هژمونیک رو به مهارکننده حاکم بر سیستم جهانی، نظم در سیستم منطقه‌ای خاورمیانه حالت آشوبی داشته و محیط استراتژیک ج.ا.ایران را ناامن کرده و تهدیدات ساختاری، فرآیندی و ملی مختلفی برای آن به همراه می‌آورد و الگوی استراتژی سیاست خارجی ج.ا.ایران در خاورمیانه را در حوزه تدافعی با تاکید بر دفاع عامل و غیرعامل تقویت می‌کند.

منابع

- قاسمی. فرهاد (۱۳۹۱). "بازسازی مفهومی نظریه بازدارندگی منطقه‌ای و طراحی الگوهای آن براساس نظریه‌های چرخه قدرت و شبکه"، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص ۹۰ - ۱۲۰.
- قاسمی. فرهاد. (۱۳۸۴). "ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین الملل نوین و استراتژی نظامی و امنیتی ایالات متحده آمریکا"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره ۲.
- بوفر. آندره، (۱۳۶۶)، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران.
- بلیس. جان، (۱۳۶۹)، نظریات و خط مشی‌ها، ترجمه هوشمند میرفخرایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران.
- دهقانی فیروزآبادی. سید جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، سمت، تهران.
- رضانی. روح‌الله (۱۳۸۳)، چارچوب تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر نی، تهران.
- شفیع‌ی. نوذر (۱۳۹۰)، " بازخوانی نظریه‌ی سیستم جهانی از دیدگاه والراشتاین " ، مجله مصباح، سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۵۶ - ۳۷.
- الف. قاسمی. فرهاد. (۱۳۹۱). " رهیافت نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای: واحدهای تجدیدنظرطلب در گذار چرخه سیستمی قدرت "، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، صص ۷ - ۳۴.
- الف. قاسمی. فرهاد. (۱۳۸۴). اصول روابط بین الملل، نشر میزان، تهران.

- قاسمی. فرهاد (۱۳۹۰). "موانع شکل‌گیری رژیم امنیتی منطقه‌ای کنترل تسلیحات: مطالعه موردی خاورمیانه"، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۳، صص ۴۷ - ۸.
- قاسمی. فرهاد. (۱۳۸۷)، "نگرش شبکه‌ای به مناطق و تحلیل فرآیندهای آن از دیدگاه تئوری‌های سیکلی"، فصلنامه ژئوپولیتیک، شماره اول، صص ۱۲۹ - ۹۶.
- قاسمی. فرهاد. (۱۳۸۶). دیپلماسی و روابط بین‌الملل، نشر میزان، تهران.
- کالینز. جان. ام. (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کورش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران.
- لطفیان. سعیده. (۱۳۸۱). استراتژی و روشهای برنامه‌ریزی استراتژیک، چاپ دوم، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران.
- Doran, Charles (2000). "Confronting the Principles of the Power Cycle", Handbook of War Studies , No.2:332-368.
- Kissane, Dylan (2008). " Forecasting the Storm: Power Cycle Theory and Conflict in the Major Power System.", Europolis, No.3:1-33 .
- Kohout, Franz (2003). " Cyclical , Hegemonic and Pluralistic Theories of International relation some comparative Reflection on war Relation : some comparative Reflection on ." , International Political Science Review, Vol. 24, No: 1 51-66
- SHireen T. Hunter. Irans foreign policy in the post- soviet era. Green wood publishing group. 2010.
- Wylie. J.C: Military Strategy: A General Theory of Power Control, (New Brunswick. N. J Rutgers University Press, 1967).
-